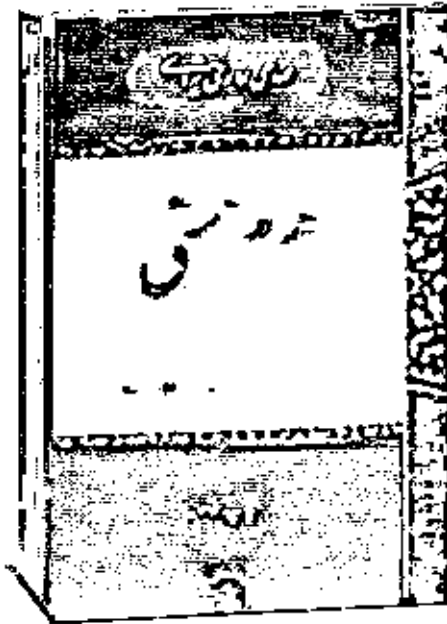


تورا به کوی معنا...

«هرم هستی»، هستی‌شناسی فیلسوفان مسلمان را در پر تو معرفت‌شناسی فلاسفه غرب باز خوانی می‌کند

حسن سید عرب



هرم هستی
دکتر مهدی حائری
چاپ سوره سحبت و فلسفه
۱۳۸۷

کتاب «هرم هستی» نوشته آیت‌الله دکتر مهدی حائری یزدی، از نخستین منابع فلسفه اسلامی در قلمرو فلسفه تطبیقی و نمودار نظام وحدت وجود انتقادی‌ای است که مؤلف بر اساس قواعد فلسفی، منطقی و ریاضی اثبات کرده و کوشیده تا اندیشه را با سپر و سلوک رهروان هماهنگ کند. نظریه «هرم هستی» خلاصه بخش‌های از رساله دکترای حائری درباره علم حضوری بوده که در ۱۹۷۸ در دانشگاه تورنتوی کانادا نوشته شده است. چاپ سوم این اثر در سال ۱۳۸۵ شمسی انتشار یافته است.

دانست به گونه‌ای که مؤلف قصد داشته است قلمرو مباحث مذکور را بر مبنای هستی‌شناسی هر فلسفه اسلامی مطرح کند و این گونه برمی‌آید که تنها مبحث سیاست را بر این اساس مطرح کرده است برای نمونه در خلال بحث از «کلی» گفته شده که خاصیت جامعه اسلامی این است که در آن فرد در نسبت به کل طبیعی و قرادشاسایی شده و ضابطه عبارت از این عینیت است.

در مباحث نخستین کتابه کیفیت تصور غریبان از مفهوم وجود بررسی شده و حاصل آن است که آنها در تقسیمات ارسطویی در باب وجود اشتباه بزرگی کرده‌اند و بر اساس این تصور نتایج گوناگونی از هستی‌شناسی مطرح شده است. به نظر مؤلف ارسطو وجود را به قسم تجزیه آن تقسیم کرده که در حقیقت این کار او را نمی‌توان تقسیم دانست بلکه به اصطلاح «اعتدال الحکم بالمتغی» است در حالی که حکیمان مسلمان وجود را به ۲ قسم فلسفی و منطقی تقسیم کرده‌اند که عبارت است از محمولی مستقل و انفسی رابطه‌ی و رابطه‌ی فزایی و این سبب برای قسم سوم گفته شده زبان عربی برای ربط غیر زمانی قطعی ندارد که فقط ربط را فاعله می‌کند. از دیگر مباحث تطبیقی‌ای که برای نخستین بار و آن هم در «هرم هستی» مطرح شده‌اند است که حکمای مسلمان نظر پیروان ارسطو را هم به طور قاطع رد کرده‌اند و حتی فزایی و این سبب که از مفسران ارسطو به شکل مری و رنده این نظریه را که حقایق وجود به طور کلی با یکدیگر متفاوت هستند نمی‌پذیرند.

کتاب «هرم هستی» اگر چه در مقام فلسفه تطبیقی و در مقایسه موضوع هستی‌شناسی در فلسفه اسلامی و فلسفه غرب مقام شایسته و بی‌همتایی دارد اما از یکدیگر طرح مباحث با نظر به

موضوع اصلی کتابه بحث از هستی‌شناسی مقایسه‌ای نزد حکیمان مسلمان و فلاسفه غرب است. در هرم هستی، بیانات و آرای ملاصدرا به تقریری ابتکاری و تازه مطرح شده بدین انگیزه که جهان در یک هرم که شکل هندسی دارد ترسیم می‌شود آنچه در «هرم هستی» به عنوان یک نظر نسبت فراوان دارد بحث از قاعده «الواحد» است که نشان می‌دهد رابطه خدا با عالم هستی، رابطه علت و معلول است اما نه رابطه علت و معلول که در فلسفه هرود مطرح شده است. مساله دیگر این کتاب مفهوم «امکان فیزی» است که مبسوط مطرح شده است.

مؤلف محترم، نظریه هستی‌شناسی را از مشخصه‌های بی‌همتای فلسفه اسلامی و دانش برترین و برترین دانش دانسته و بر اساس آن به تطبیق با مباحث شبیه به آن در فلسفه غرب پرداخته است. به نظر ایشان، هستی‌شناسی بحث از حقیقت و هستی است. به نظر او بزرگ‌ترین امتیاز مباحث هستی‌شناسی این است که میان ذهن و عین طبیعی و غیر طبیعی، رابطه علمی برقرار می‌کند و به ذهنیات انسان صیغه واقع‌بینی و حقیقت‌اندیشی می‌بخشد. یکی از انگیزه‌های تألیف «هرم هستی» فقدان این تصور است که وجود دارای مراتب بوده و این تصور در زبان فلسفه غرب به خوبی مطرح نشده است. همچنین «نظریه هستی‌شناسی کوچیدی» در این کتاب مطرح شده که به نظر مؤلف زیربنای تمام نظریه‌های دیگر او در مباحث جهان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، حقوق بشر، سیاست مدن و مباحث نفس‌فرا داده شده است. از این رو می‌توان این کتاب را به مثابه مقدمه و اساس آن مباحث

به زعم دکتر حائری از پیامدهای جانب توجه منطقی و فلسفه تحلیلی این است که قضایا و قیاسات منطقی و فلسفی را در قالب ریاضی مطرح کرده و در ایجاد محسوس تعلیمی ترسیم می‌کند تا آنچه در ذهن موشکاف انسان با تشکیل و تجزیه درک عقلانی می‌کند چشم و حواس ظاهر او را در یک تجربه وحسی اندرک کند.

مبحث هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی در انتظام فلسفی مذکور است برای نمونه در بحث از هرمان صدیقین که به انگیزه حقیقت‌رابطه وجودی انسان و جهان باقری ذکر هستی مطرح شده و به نظر مؤلف بهترین و اطعم‌بین بخش‌ترین روش در توصیف رابطه انسان و جهان با خداست مباحث معرفت‌شناسی به نقل از کلام مطرح شده که اگر چه به طور کامل مربوط به یکدیگر بوده اما حاکی از این معناست که در این کتابه مباحث فلسفی مربوط به وجود در فلسفه اسلامی گفته شده است. معرفت‌شناسی در فلسفه غرب تطبیقی و مقایسه شده است که نماینده گان این ۲ حوزه معرفتی فزایی، ابن سینا و ملاصدرا از یک سو و ارسطو و کانت هگل راسل و دیگر اندیشمندان غرب از سوی دیگر هستند البته مؤلف به طور کامل به مطلب واقف بوده است و در بخشی از کتاب که در آن هستی‌شناسی را متکفل بحث از حقیقت و هستی‌شناسی می‌داند بلافاصله متذکر شده که نظام دیگری هم هست که همان نظام معرفت‌شناسی و مباحث علم است.

مؤلف می‌پرسد که آیا معرفت‌شناسی فقط در محدوده هستی‌شناسی است؟ در حقیقت تفاوت پنهانی زیادی میان فلسفه اسلامی و غربی وجود ندارد و تفاوت در طرز بیان و اظهار مطالب است. گسترش تطبیقی مباحث گاه تا قلمرو منطقی و فلسفه هم وسعت یافته است. برای نمونه در بحث از تشکیک وجود مؤلف محترم مقابل به تشکیک خاصی از وجود است که خطوط اصلی آن را در این کتاب مطرح کرده و این خطوط را در «هرم هستی» از قاعده تا ارسطو پیوسته و ناگسسته فرشی کرده است تا از این رو رابطه وجودی جهان هستی با سبب آن فرینش شناسایی شود.